

ادامه از صفحه اول

کیفیت قضا در افق تحول

توسعه مغزافزاری و خردبنیاد رکن مبنایی حرکت روبه رشد است. تقویت بنیه دانشی متکی بر سرمایه انسانی، اندیشکده‌ها، دانشگاه حوزه نیازمند سعه صدر است. سرمایه انسانی جامعه حقوقی کشور، یک فرصت است. مشورت، به‌کارگیری و استفاده از تجارب بزرگان حقوقی و ظرفیت حوزه عمومی حقوقی اولویت دارد. نگاه تقابلی به نهاد وکالت یا فعالان حقوق بشر و شهروندی، هدم یک موهبت ملی و مصداق اسراف است. دوم تحقق حکومت قانون به عملکرد مطلوب قوه قضائیه به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد اعمال‌کننده موازین موضوعه منوط است. بدون حکومت قانون توسعه کشور ناممکن است. به باور بسیاری صاحب‌نظران، اصلاحات حقوقی و تحول قضائی پیش‌نیاز دستیابی کشور به توسعه همه‌جانبه است. عملکرد قضات و دادگاه‌ها در فوایع از حقوق فردی و آزادی‌های عمومی و مالکیت خصوصی و شرکت‌های غیردولتی مولد در رونق‌بخش کارآفرین و فعال‌ساز اقتصاد و بهبود محیط کسب‌وکار بسیار حیاتی است. نظام عرضه‌وتقاضای قضائی با‌تصورگر سرعت، عدالت، بی‌طرفی، اعتمادگذستری، تسهیل‌گری و استقلال کامل باشد. سیاست پرهیز که اجازه ندهد هیچ سطحی از مناسبات قدرت و ثروت در آن منفذی برای اثربخشی باز کند. شتاب‌گرفتن رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرانه ملی همه نسبت مستقیم با عملکرد قوه قضا دارند. نابرابری در آمد و ثروت، درگیری و تضاد اجتماعی، فاصله طبقاتی و تبعیض سیاسی، قرارداشتن سرمایه در معرض ریسک شدید، نبود امنیت شغلی و عارضه‌های محیط‌زیستی و تزلزل نظام پولی و بانکی و بورس هرچند اولاً و بالذات ریشه حقوقی و قضائی ندارند اما عملکرد قوه قضا هم مولود آنها و هم ماثراً از آنهاست. بازخوانش نقش قوه در این مؤلفه‌ها می‌تواند منتهی به آرایش و پیرایش در رویکردها و کارکردهای قضائی باشد. کیفیت قوه در ارتقای بنیه دانشی ضمن تحفظ شاخصه استقلال که ریشه در پاسداشت حقوق بشر و حق دفاع شهروندان دارد، تعیین‌کننده است. بازچینی و بهسازی در اصلاح ساختاری دستگاه قضائی با هدف افزایش اثربخشی ضروری است. جدی‌گرفتن نظارت دیوان عالی کشور، جداسازی مسئولیت‌های اجرائی اعم از دادستانی و ثبت و زندان‌ها با کارویژه دادگری، احترام به حضور مؤثر هیئت‌منصفه در محاکم سیاسی و رسانه‌ای ضمن ترکیب غالب جامعه مدنی، عدم اجازه استفاده سیاسی از محاکم و ایجاد اطمینان برای کنشگران شفافیت و گردش آزاد اطلاعات از عدم تعقیب کیفری، حمایت از فعالان حقوق بشر و شهروندی، دمویرحله‌ای کردن دادگاه‌های حقوقی، تخصصی‌کردن محاکم و حذف دادگاه‌های اختصاصی که موضوعیت خود را از دست داده‌اند، توجه به قاعده اولویت در مبارزه با فساد، تمرکز حسگرهای هشداردهنده روی خیر عمومی، حقوق عامه و محیط زیست و زمین‌خواری، تقویت خشمی مطالبه‌گرانه در الزام نهادهای حکمروانی به رعایت حقوق و آزادی‌های اساسی، ایجاد دادگاه قانون اساسی، تقویت نقش ستاد حقوق بشر و کمک به تأسیس نهاد ملی حقوق بشر، کاهش مجازات اعدام و حذف برخی مجازات‌ها، ازجمله این ضرورت‌هاست.

جنجال بیهوده بر سر ۲ معاهده

چرا کشورهای قدرتمندی مانند چین و روسیه هم با طیب خاطر به این به‌اصطلاح وطن‌فروشی اقدام کرده‌اند و فقط ما همراه سودان جنوبی، سومالی و ... از این قافله جدا مانده‌ایم؟ با تعمق در تمام جهات و جوانب این پرونده ملی می‌توان به دو نتیجه روشن رسید:

الف) نظام تصمیم‌گیری کشور نیازمند بررسی آسیب‌شناسانه و کشف و در نهایت درمان موارد ضعف و ناکارآمدی آن است، به‌گونه‌ای که هر یک از نهادهای رسمی صرفاً بر چارچوب وظایف قانونی خود به ایفای نقش بپردازند. همان‌گونه که در یک جلسه دادرسی جابه‌جاشدن نقش وکیل مدافع متهم و نماینده دادستان پذیرفته نیست، جابه‌جاشدن نقش نهادهای رسمی کشور نیز می‌تواند تبعات منفی برای کل سیستم به‌همراه داشته باشد.

ب) جنجال رسانه‌ای و بازی احساسی‌ای که درباره این دو کنوانسیون شکل گرفته است، هرگونه تصمیم‌گیری و اظهارنظر صریح درباره پرونده را برای متولیان امر دشوار کرده، زیرا باید پاسخ‌گویی مسئول اعتراضات تریبون‌داران و گروه‌های فشار باشند. در چنین شرایطی بهترین و کارآمدترین راه‌حل، ارجاع پرونده به مردم به‌عنوان صاحبان اصلی حق است. همه‌پرسی از شهروندان درباره پیوستن یا نپیوستن به معاهده علاوه بر گشودن گره این پرونده ملی، موجبات تقویت همبستگی ملی و خنثی‌شدن کید دشمنان و بدخواهان را فراهم می‌کند.

شرق: شدت هجوم و انتقاد به دولت در ماجرای سیل سراسری اکنون زوایای دیگری هم به خود گرفته است. اگر در روزهای نخست تنها رسانه‌ای یک جریان بودند که نسبت به عملکرد دولت خرده می‌گرفتند، اکنون صاحبان تریبون برخی از نهادها هم وارد ماجرا شده‌اند. در روزهای گذشته سعی شد تا درباره ماهیت این انتقادها بیشتر روشنگری شود؛ اینکه این نقدها تا چه حد با هدف بهبود صورت می‌گیرند و چه اندازه اهداف سیاسی و انتخاباتی دارند. در این میان یک نکته اما مورد توجه است؛ اینکه نقش دولت در ایجاد یا تشدید ناکارآمدی یا عدم مدیریت و حل بحران در کشور تا چه اندازه مهم است. سعید جباریان در گفت‌وگو با «شرق» به ریشه‌یابی این نقدها پرداخته و البته به نقش دولت در مدیریت بحران سیل اخیر هم اشاره کرده است. به گفته جباریان؛ «می‌توان به دولت خرده گرفت، اما چنین حقی متعلق به کارشناسان فن است که خبرویت دارند، اما متأسفانه در این بلا، شاهد جنگ لفظی با دولت بودیم که نمک به زخم مردم پاشید». جباریان درباره اینکه چرا بحران‌ها در کشور سیاسی می‌شوند هم بعد از توضیحاتی تأکید کرد: «می‌بینیم به جنگ اعتماد عمومی رفته و حتی هلال‌احمر را ملوک کرده‌اند. باید توجه کنیم بحران بی‌اعتمادی به بحران بی‌اعتباری ختم می‌شود تا به آنجا که مردم داور بی‌طرف خارجی را به گونه‌های وطنی ترجیح می‌دهند».
ماحصل این گفت‌وگو را در پی می‌خوانید.

۴ در ماجرای سیل اخیر حجم زیادی از انتقادها به دولت از سوی جریان‌های منتقد دولت صورت گرفت. به فرض واردبودن تمام یا بخشی از این انتقادات، آیا آنچه مطرح شد در قالب خیر عمومی و برای بهبود اوضاع است یا آنکه هدف دیگری را دنبال می‌کند.
جباریان: این دو مسئله، از همان روزهای ابتدایی مانند دولت وارد مناطق سیل‌زده شدند. پس دولت نیز می‌تواند انتقادات خود را صریحاً به دیگران وارد کند، به‌ویژه درباره ساخت‌وسازهای غیرکارشناسی و تخریب‌های انقلابی. این مسئله را به‌طور مشخص در تأسیسات حمل‌ونقل، از جمله خطوط راه‌آهن مشاهده کردیم که عملاً راه عبور آب را مسدود کرده بود. البته به دولت نیز انتقاداتی وارد است؛ به‌عنوان‌مثال درباره مسیل کنار دروازه قرآن شیراز؛ شنیدم با وجود آنکه زیر آن مسیل به قطر ۲٫۵ متر لوله‌گذاری شده بود، اما کسی از رفتگی و مسدودشدن لوله‌ها خبر نداشته است. البته همین‌جا باید به رهاکردن آب از رکن آباد به سمت دروازه قرآن اشاره کرد که خسارت را دوچندان کرد. از طرف دیگر باید توجه کنیم که در زمینه سدسازی، دوره‌های ۵۰ ساله خشک‌سالی و ترسالی را لحاظ و محاسبه می‌کنند که در پیک طغیان، چند

شرق:موضع این‌روزهای برخی از چهره‌های اصلاح‌طلب در قبال دولت مانند روزهایی نیست که ایشان تمام‌قادر از حسن روحانی حمایت می‌کردند و از مردم می‌خواستند که به روحانی رای بدهند. اصلاح‌طلبان می‌دانستند که روحانی با بسیاری از مختصات اصلاح‌طلبی؛ چه در حوزه نظری و چه سابقه عملکردش منطبق نیست، اما در رقابت با رقیب سنتی او را ترجیح دادند. ترجیح و انتخاب به خودی‌خود ایرادی ندارد، اما مشکل زمانی پدید آمد که با حمایت‌های بی‌دریغ اصلاح‌طلبان از روحانی، او نماینده راستین اصلاح‌طلبان معرفی شد. اصلاح‌طلبان در سال‌های پس از ۸۸ یک سیاست واحد را دنبال کردند؛ آنها خواستند تا با استفاده از ابزارهای مختلف نام و جایگاه خود را در چرخه قدرت زنده نگه دارند تا نیروهای مخالف نتوانند به خواسته دیرین خود؛ یعنی حذف اصلاح‌طلبی و تک‌صدایی دست یابند. چنین سیاستی در نگاه کلی قابل‌قبول به نظر می‌رسد، اما هنگامی که تمام اعتبار جریان اصلاحات مصروف حسن روحانی شد، عملکرد او به سر‌نوشت اصلاح‌طلبان گره خورد و بخشی از رای‌دهندگان به روحانی عملکرد او را به پای اصلاح‌طلبان نوشتند. اصولگرایان نیز از چنین شرایطی مایه خود را گرفته و مترصد تخریب جریان اصلاحات به بهانه نابسامانی‌های موجود در دولت شدند.

انتقاد به دولت برای حفظ حیات سیاسی اصلاحات
اصلاح‌طلبان تا جایی که ممکن بود از دولت حمایت کردند و حتی در شرایطی که خود دولتی‌ها مانند رئیس

سیاست

تحلیل سعید جباریان از سیاسی شدن سیل:

سیاسی شدن سیل بحران را عمیق‌تر می‌کند



مترکعب بر ثانیه آب وارد سد می‌شود و مطابق آن، پایین‌دست را برای عبور سیل و بازکردن درپچه‌ها تعریض می‌کنند، اما در سال‌های کم‌آبی این عرض کمتر شده و دولت بی‌توجه بوده است. به‌هرحال می‌توان به دولت خرده گرفت، اما؛ چنین حقی متعلق به کارشناسان فن است که خبرویت دارند، اما متأسفانه در این بلا، شاهد جنگ لفظی با دولت بودیم، که نمک به زخم مردم پاشید.

۴ اساساً رودرودرکردن دولت با سایرین در مواجهاتی از این دست تا چه اندازه قیاس درستی است؟ آن هم به لحاظ اختبارات و مسئولیت‌ها؟

مسئولیت مدیریت بحران برعهده دولت است و سایر نیروها، اعم از مردمی و نظامی باید تابع این مدیریت باشند و تک‌روی را تعلیق کنند. حتی اگر حجم تخریب سیل به حدی بوده است که مدیریت بحران از پس آن برنمی‌آمده، مجوز تعرض دیگران صادر نمی‌شود و دولت باید افراد قوی‌تری را جایگزین کند. حتی در این مواقع، سایر کشورها حاضر به کمک هستند و این کمک‌ها نیز باید تابع ستاد بحران و فرماندهی واحد باشد تا اولویت‌بندی صورت بگیرد و امکانات به‌درستی توزیع شوند.

۴ شما قبلاً دراین‌باره و درباره اختبارات رئیس‌جمهوری در کشور مطلب نوشته‌اید. به نظر شما چه اندازه از سهم ناکارآمدی دولت، به‌عنوان‌نمونه در همین موضوع سبیل اخیر که سیاسی هم نبود، به همین موضوع اختبارات بازمی‌گردد؟

دولت در زمینه سیل اختیار داشته، اما مانند دوره جنگ، حجم کار زیاد بوده است؛ مثلاً مهندس موسوی، در دولتش اختیار داشت، اما حجم امور مربوط به جنگ بسیار بالا بود تا حدی که کابینه صورت جنگی به خود گرفت. تعداد کشته‌های این سیل در افغانستان زیاد بود، اما تا این

خود خوابیده، تخت گذاشته و اتاقش را به‌عنوان اتاق جنگ برای دفاع از اقتصاد مقاومتی انتخاب کرده و می‌خواهد اقتصاد بدون نفت را راه بیندازد».
حضررتی با بیان اینکه دولت در کار خودش جدی نیست، خاطرنشان کرد: «من اسم این دولت را دولت بی‌تصمیم، درتصمیم و بدتصمیم گذاشته‌ام».

این فعال سیاسی درباره آغاز فعالیت‌های سیاسی در سال جدید برای ورود به مباحث انتخابات مجلس گفت:

لحظه در ایران آمار کشته‌ها بالا نبوده است؛ هرچند جان یک شهروند هم محترم و عزیز است؛ پس می‌توان کمی امیدوار بود. از این گذشته باید به زیرساخت‌های پیشگیری از سیل توجه کنیم. این زیرساخت‌ها بسیار هزینه‌بر هستند؛ به‌عنوان‌نمونه سیستم آگو؛ اکنون تهران چنین سیستمی ندارد؛ کوئت‌عبدالله به‌جای خود؛ به همین دلیل در کوتاه‌مدت، آب سیل و فاضلاب شهری مخلوط می‌شود و سلامتی و جان افراد را هدف می‌گیرد و وضعیت نابسامان می‌شود.

۴ اصالتاً سهم دولت‌ها در نظام جمهوری اسلامی در ایجاد ناکارآمدی چه اندازه است؟ و مثلاً حضور برخی نهاده‌ا؛ چه نظامی و چه مالی و توازی آنها چه تأثیری در میزان ناکارآمدی دولت‌ها دارد؟

ناکارآمدی دولت، برخلاف سایر نهاده‌ا آشکار است، زیرا تحفظ چندانی وجود ندارد و همه کارهای دولت در معرض دید و داوری مردم است، اما سایر نهاده‌ا فاقد شفافیت هستند. چنان‌که در یک فقره دیدیم، پس از انتشار بودجه برخی دستگاه‌ها گفتند دولت به دشمن گرا داده است! البته در کنار انتقاد از بخش‌های دیگر، نباید انتقاد به دولت را فراموش کنیم، زیرا درون دولت مانند سایر بخش‌ها، فساد و بی‌کفایتی وجود دارد.

۴ چرا هر بحرانی در کشور بلافاصله سوبه سیاسی به خود می‌گیرد؟
سیاسی‌شدن بحران‌ها فقط به ایران محدود نیست؛ مثلاً در بحث جلیقه‌زرها یا برگزیت سریع‌ا موضوع سیاسی شد و دولت و حزب حاکم را هدف گرفت. در خاورمیانه و کشورهایی مانند افغانستان نیز این‌گونه است و بحث درباره طالبان به‌سرعت سیاسی و جدلی شد. اما به نظر من، نگاه‌ا باید معطوف به حل بحران باشد. سیاسی‌شدن، بحران را عمیق می‌کند. به همین جهت، برخی حوزه‌هایی که ماهیتاً غیرسیاسی هستند، باید به کارشناسان و داوران مرضی‌الطرفین سپرده شوند؛ به‌عنوان‌مثال، زمانی شایعه می‌شود سؤال‌های کشور فروخته شده است؛ در پی آن، عده‌ای به‌راحتی به دانشگاه می‌روند و عده‌ای در اعتراض راهی وزارت علوم و سازمان سنجش می‌شوند. این قبیل موضوعات را می‌توان سریع‌ا سیاسی کرد و فساد را به تمام دولت نسبت داد و درمقابل می‌توان موضوع را تفکیک و روی آن کار کارشناسی کرد که طبعاً راه دوم عقلانی‌تر و به صواب نزدیک‌تر است، اما در این شرایط اهمیت عنصر اعتماد عمومی مشخص می‌شود و ممکن است یک گفتار و نوشتار جریان را تغییر دهد و وضعیت را بسامان کند. اما می‌بینیم به جنگ اعتماد عمومی رفته و حتی هلال‌احمر را ملوک کرده‌اند. باید توجه کنیم بحران بی‌اعتمادی به بحران بی‌اعتباری ختم می‌شود تا به آنجا که مردم داور بی‌طرف خارجی را به گونه‌های وطنی ترجیح می‌دهند.

سیاست اصلاح‌طلبان؛ گریز یا پذیرش مسئولیت دولت؟

«دو مسئله مهم در این رابطه وجود دارد؛ یک مسئله این است که اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس گذشته به دلیل برخی نظرات‌ها نتوانستند از همه ظرفیت خود استفاده کنند و آنچه تحت عنوان لیست امید وارد مجلس شد، حتی نیمی از ظرفیت اصلاح‌طلبان هم نبود. بنابراین اگر اوضاع و شرایط بر همان مدار بچرخد، طبیعتاً مجلس آینده هم راه به جایی نخواهد برد».
وی ادامه داد: «در این میان افکار عمومی هم به‌شدت آسیب دید. افکار عمومی که شاید پیچیدگی‌های قدرت را آن‌گونه که باید نمی‌شناسد و مشکلات اصلاح‌طلبان را نیز نمی‌داند، تمام انتظاراتش را متوجه اصلاح‌طلبان کرد و بخش عمده‌ای از این انتظارات نیز به بار ننشسته و پایگاه اجتماعی این جریان به‌شدت تنزل یافته است».
وی افزود: «اصلاح‌طلبان با مجلس و دولتی مواجه هستند که تا نام آنها کار می‌کند، اما مدیریتش الزاماً در دست آنها نبوده و نیست. همین امر هم موجب به‌وجودآمدن مشکلاتی شده که باید تلاش زیادی صورت بگیرد تا با ایجاد گفت‌وآم‌های جدید، همین روند دموکراسی که وجود دارد، حفظ شود. البته باید بدانیم که روی‌گردانی مردم از اصلاح‌طلبان به معنی رفتن آنها به سمت اصولگرایان نیست».

در هر صورت اصلاح‌طلبان برای آنکه بتوانند دوباره توفیق چند انتخابات گذشته را به دست آورند در وهله نخست باید اعتماد مجدد مردم را نصیب خود کنند و در وهله دوم بدون پیش‌نیازهای لازم در نامزدهای انتخاباتی تمام اعتبار خود را هزینه نکنند.

روزنه

سفر رئیس قوه قضائیه و سردار سلیمانی به مناطق سیل‌زده

● شرق: رئیس قوه قضائیه، سردار سلیمانی و چند مقام نظامی ارتش از مناطق سیل‌زده بازدید کردند. به گزارش ایسنا، روز گذشته حجت‌الاسلام رئیسی در جمع مردم روستای میرزاعلی یلقی شهرستان آق‌قلا در استان گلستان گفت: «در سیل گلستان شاهد حضور و یکپارچگی نیروهای مردمی، امدادی، دولتی، سپاه، ارتش، بسیج و انتظامی بودیم که نشان داد در سختی‌ها همه کنار هم هستیم».او با اشاره به وحدت و یکپارچگی شیعه و سنی در کنار هم در این منطقه، افزود: «در کنار همه تلخی‌هایی که سیل ایجاد کرد، این زیبایی را هم به همراه داشت. بخشی از مشکلات مردم در مناطق سیل‌زده حل شده و مسئولان تلاش دارند بخش دیگر مشکلات را نیز کاهش دهند».رئیس قوه قضائیه با اشاره به جبران خسارت‌ها، عنوان کرد: «ما نیز موضوع عمران و آبادانی و جبران خسارت‌ها را که دولت وعده داده، دنبال خواهیم کرد». به‌عنچنین در جریان سفر رئیس ستاد کل نیروهای مسلح به استان‌های سیل‌زده لرستان و خوزستان، جلسه شورای هماهنگی مدیریت بحران استان خوزستان با حضور سرلشکر باقری برگزار شد. او در این جلسه گفت: «درحال‌حاضر بیش از ۳۰ هزار نفر از نیروهای مسلح در امر امدادرسانی استان‌های مختلف حضور دارند. علاوه‌براین جمعی از فرماندهان عالی‌رتبه نیروهای مسلح نیز در استان‌های حادثه‌دیده مستقر شده‌اند تا مدیریت امدادرسانی را راهبری کنند».

اسکان اهالی حمیدیه دریکان‌های ارتش

رئیس ستاد و معاون هماهنگ‌کننده ارتش و فرمانده عملیات امداد ووزلفقار ارتش در خوزستان نیز از تخلیه روستاهای مناطق مختلف شهرستان حمیدیه خبر داد و گفت: «با اطلاع‌رسانی ستاد مدیریت بحران درباره تخلیه منازل، بلافاصله دستور راه‌اندازی کمپ‌های اضطراری را صادر کردیم و تیپ ۳۹۲ زرهی نیروی زمینی تا امروز بالغ بر دو هزار نفر را در منازل سازمانی، سالن‌های ورزشی، مسجد و سوله‌های پادگان اسکان داده است».به گزارش ایسنا، امیر درباردار سیاری یادآور شد: «همه هم‌وطنان اسکان‌داده شده از امکانات مطلوبی برخوردار هستند و وعده‌های صبحانه، ناهار، شام و همچنین محل استحمام آنها نیز فراهم شده است، در حوزه بهداشت و سلامت نیز تیم‌های پزشکی به صورت شبانه‌روزی در این کمپ‌ها فعالیت می‌کنند. در همه کمپ‌ها و محل اسکان هم‌وطنان محل‌هایی را برای اوقات تفریح و سرگرمی کودکان فراهم شده است تا کودکان کمتر تحت تأثیر شرایط بحرانی قرار بگیرند». به‌عنچنین امیر نپوذر نعمتی، جانشین فرمانده نیروی زمینی ارتش، نیز با بیان اینکه ۷۰ درصد از شهر پلدختر نیز زیر کولای ناشی از جاری‌شدن سیلاب قرار گرفته است، به ادامه روند امدادرسانی به روستاهای صعب‌العبور شهرستان پلدختر اشاره کرد و گفت: «در چندین منطقه، تیپ ۶۵ نوه‌د با قایق روند امدادرسانی را در روستاهای پیش می‌برد. بالگردهای هواپیروز نیز به صورت هوایی جابه‌جایی نفرات و تجهیزات ادارات آب، گاز و برق را در مناطق صعب‌العبور انجام می‌دهند. به‌عنچنین تأمین اقلام در روستاهایی که راه ارتباطی ندارند، از سوی ارتش صورت گرفته است».

سفر سردار سلیمانی به خوزستان

سردار قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه، نیز در حاشیه بازدید از مناطق سیل‌زده شهرستان دشت آزادگان در استان خوزستان، گفت: «ملت ایران احساس می‌کند که مدیون مردم خوزستان و لرستان هستند؛ به‌همین‌دلیل خدمت‌رسانی به سیل‌زدگان این استان‌ها باید ساماندهی شده تا بتوانیم سیلاب را بهتر مدیریت کنیم».به گزارش ایرنا، او افزود: «بستان، هویزه، سوسنگرد، آبادان و خرمشهر از دزهای کشور هستند و همیشه باید قوی باشند».

سرلشکر باقری اعلام کرد:

همکاری ایران و عراق درعرصه پدافند هوایی

● دفاع پرس: رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، در حاشیه دیدار با سپهبد «عثمان الغامی»، رئیس ستاد مشترک ارتش عراق، گفت: «ممکن است ما از جانب مرزهای غربی تهدیدات هوایی را احساس کنیم که در این دیدار قرار شد بخش‌های دفاع هوایی دو کشور با هم کار کنند و به هماهنگی بیشتری در این زمینه برسند». سرلشکر باقری افزود: «در این دیدار درباره حضور نظامی آمریکا در عراق صحبت شد و طرف عراقی اطمینان داد که کنترل‌های بیشتری دراین‌باره خواهد داشت و نیروهای آمریکایی حضورشان صرفاً برای آموزش نیروهای عراقی است و آنها تحت کنترل ارتش عراق هستند».او گفت: «به‌عنچنین در این دیدار درباره موضوعات مختلف مرزی بحث شد، به‌خصوص درباره اینکه بر اساس تقاهم مقامات عالی دو کشور، لایروبی ارون‌د قرار است به‌سرعت انجام شود و امنیت این کار را نیروهای مسلح دو کشور بر عهده گرفتند. در این دیدار درباره همکاری دو کشور در دهانه اروند به خلیج فارس نیز گفت‌وگو شد تا شاهد امنیت بیشتری در منطقه خلیج فارس باشیم».